

خشونت راه ورسم کیست؟

برانکو مارستیک ، ترجمه: فرهاد مرادی



«تمرینی» برای حمله‌های وسیع‌تر دانسته بود.

● طراحی نقشه قتل‌ی ازسوی یکی از سفیدپوست‌های نژادپرست به منظور «بسادشت دبلن رووف» - رووف سفیدپوستی نژادپرست بود که در ژوئن ۲۰۱۵، ۹ نفر از سیاه‌پوست‌های مسیحی و از جمله یک سانتور را به رگبار بست-.

● صدها تماس تلفنی، ایمیل و پیغام صوتی تهدیدآمیز ازسوی نئونازی‌های شهر وایت‌فیش در ایالت مونتانا به یک زن پهلوی.

● اقدام یک نژادپرست سفیدپوست که تلاش داشت با ضربه‌های چاقو سیاه‌پوستی را در شهر هیوستون ایالت تگزاس به قتل برساند.

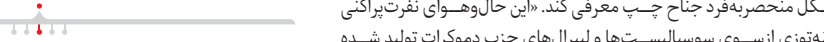
● کشته‌شدن دو هندی ازسوی مردی از ایالت کانزاس در فوریه امسال؛

مردی که خیال می‌کرد قربانی هایش اهل خاورمیانه‌اند و بر سرشان فریادهای نژادپرستانه می‌کشید.

● شلیک مردی سفیدپوست - که صورتش را با ماسک پوشانده بود - به یک سبک - ضارب فریاد می‌کشید و خطاب به قربانی چنین می‌گفت: «به کشور خودت برگرد».

در اینجا به حادثه‌هایی اشاره شد که از ژانویه امسال و تنها در خاک ایالات متحده آمریکا رخ داده‌اند. درواقع این موارد در صدر هزارو ۴۰۰ مورد جنایت ثبت‌شده در حداقل هشتم نوامبر ۲۰۱۶ تا ۲۳ مارس ۲۰۱۷ قرار دارد که مبنای آنها را نفرت جنایت‌کار نیست به هویت قربانی‌اش تشکیل می‌دهد- رقمی که از آن تاریخ به بعد نیز تقریباً سیری صعودی داشته است- چنین جنایت‌هایی پیش از انتخاب‌شدن دونالد ترامپ نیز روی می‌دادند. در دوران کارزار انتخاباتی وی چندین مورد حادثه خشن با انگیزه‌های نژادی رخ داد که حمله‌کننده‌های آنها نام ترامپ را به زبان می‌آوردند.

بدون شک با روی کارآمدن ترامپ، اقدام‌های تروریستی دست‌راستی‌ها افزایش داشته است.
باین‌حال ضرورتی ندارد تا برای فهمیدن این نکته که این دست اقدام‌های تروریستی پیش از این نیز در جریان بوده‌اند خیلی به عقب بازگردیم. خنثی‌کردن توطئه یک کشتار دسته‌جمعی در ایالت کنتاکی یکی از مواردی است که پیش از روی کارآمدن ترامپ طراحی شده بود. در اینجا به دیسپهای که چند ماه قبل ازسوی کلیئا کانوی - استراتژیست جمهوری‌خواه و از مشاورهای ترامپ - طراحی شد اشاره نمی‌کنم، بلکه دارم از توطئه جنون‌آمیز یکی از نژادپرست‌های سفیدپوست حرف می‌زنم که قصد هدف قراردادن سیاه‌پوست‌ها و یهودی‌ها را داشت. همچنین در سال ۲۰۱۲ و تنها در حداقل چند روز دو اقدام تروریستی رخ داد: به‌آتش‌کشیدن مسجدی در ایالت میزوری و به‌کل‌هول‌یست شش مرد در معبد سبک‌ها. در هر صورت این موارد تنها فهرستی کوتاه هستند از دهه‌ا تروری که از بمب‌گذاری سال ۱۹۹۵ در شهر اوکلاهما به این‌سو، ازسوی دست‌راستی‌ها طرحی با اجرا شده‌اند.
براساس تازه‌ترین گزارش سازمان غیردولتی و یهودی «آی. دی. ال»، در ۲۵ سال گذشته، دست‌راستی‌های افراطی آمریکا دست‌کم ۱۵۰ اقدام تروریستی را طراحی کرده‌اند که در جریان آنها بیش از ۸۰۰ نفر کشته یا زخمی شده‌اند.



به‌طورقطع بسیاری از راست‌گراها ادعا می‌کنند ایدئولوژی دست‌راستی‌های افراطی و آنچه این گروه‌ها انجام می‌دهند ارتباط چندانی به جریان اصلی محافظه‌کاری و باورهای این جریان ندارد. باین‌حال موضع رهبرهای حزب جمهوری‌خواه و رسانه‌های محافظه‌کار نسبت به اقدام وزارت امنیت داخلی آمریکا در سال ۲۰۰۹ آدمیزاد را به فکر فرومی‌برد

این اقدام‌های تروریستی، در غالب اوقات، تحت‌تأثیر گفتار خشن جریان رسمی جناح راست قرار داشته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال چندی پیش‌کلی هیگینز - نماینده جمهوری‌خواه ایالت لوئیزیانا - چنین گفت: «مظنون‌های همکاری با تروریست‌های اسلام‌گرا را به دام بیندازد. آنها را شناسایی کنید و بکشیدشان. بله! همه آنها را بکشید». هیگینز این حرف‌ها را درست بعد از انتخابات مقدماتی حزب جمهوری‌خواه بر زبان آورد، آن‌هم در مکانی که تِد کروِز، با همان اترناتیو اعتدال‌گرای ترامپ، وعده ایجاد مسجد «مبیران‌های گسترده» را می‌داد و مردم آمریکا را از مهاجرها می‌ترساند. در سال ۲۰۱۲ نیز مریدی مسلح قصد داشت تا با کشتن چهره‌های سرشناس سازمان‌های غیردولتی «اتحادیه آزادی‌های شهروندی آمریکا» و «بنیاد تایدس» انقلابی راست‌گرا برپا کند- سازمان‌هایی که برای ماه‌ها سوزه حمله‌های گلن یک- مجری محافظه‌کار یکی از برنامه‌های رادیویی- بودند- همین مرد مسلح به یک روزنامه‌نگار گفته بود که تحت‌تأثیر اظهارنظرهای یک به چنین اقدامی دست زده است؛ فردی که خودش را «شکارچی ترقی‌خواه‌ها» می‌دانست و هشداری می‌داد آمریکایی واقعی در حصار دشمن‌های چپ‌گرایش سرنگون شده است. [بر همین مبنا] هم‌زمان بودن تکثیر شبه‌نظامی‌های راست‌گرا با اظهارنظر سیاست‌مدارهای جمهوری‌خواه و شخصیت‌های محافظه‌کار درباره باراک اوباما تصادفی نیست؛ کسانی که اوباما را فاسد، بیگانه‌ای تهدیدگر و حتی تروریست می‌دانستند.

ماهشارادادامپ

به‌طورقطع بسیاری از راست‌گراها ادعا می‌کنند ایدئولوژی دست‌راستی‌های افراطی و آنچه این گروه‌ها انجام می‌دهند ارتباط چندانی به جریان اصلی محافظه‌کاری و باورهای این جریان ندارد. باین‌حال موضع رهبرهای حزب جمهوری‌خواه و رسانه‌های محافظه‌کار نسبت به اقدام وزارت امنیت داخلی آمریکا در سال ۲۰۰۹ آدمیزاد را به فکر فرومی‌برد. آنها در سال ۲۰۰۹ و در ست پس از انتشار گزارشی ازسوی این وزارتخانه که تهدیدهای ناشی از فعالیت گروه‌های افراطی راست‌گرا را گوشزد می‌کرد، انتقادهای تندتیزی را حواله وزارت



امنیت داخلی کردند. میشل مُلکین - نویسنده و تحلیلگر سیاسی محافظه‌کار - این گزارش را «مشتی مهمل» خواند که به شکلی هدفمند «چهرهای اهریمنی از جمعیت بزرگی از آمریکایی‌ها ترسیم می‌کند که چهارشنبه آینده می‌خواهند در حمایت از تی‌پارتی و علیه قوانین مالیاتی دولت تظاهراتی داشته باشند». جان بوئتر- سیاست‌مدار جمهوری‌خواه و رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا - با خشم و خروش، وزارت امنیت داخلی را خطاب قرار داد و گفت این وزارتخانه باید توضیح دهد چرا به «[آن دسته] از شهروندهای آمریکا که با خط‌مشی دموکرات‌های واشنگتن موافق نیستند» برچسب تروریست می‌زند. گروه‌های مختلفی از محافظه‌کارها نیز گزارش وزارت امنیت داخلی را محکوم کردند و آن را حمله‌ای دانستند به مسیحی‌ها و کهنه‌سربازها.

در هر صورت وزارت امنیت داخلی از آن گزارش - که ازسوی چهرهای محافظه‌کار نوشته شده بود- عقب‌نشینی نکرد، ولی زیر فشار راست‌ها تحقیق روی دست‌راستی‌های افراطی داخل آمریکا را به شکلی محسوس کاهش داد. به‌طورخلاصه واقعیعی که حول گزارش سال ۲۰۰۹ وزارت امنیت داخلی آمریکا شکل گرفت این بود: حکومت درباره خطر گروه‌های دست‌راستی افراطی در خاک آمریکا گزارشی منتشر کرد. جریان رسمی راست‌گرایان میان ایدئولوژی خودشان و این دسته از راست‌های افراطی ارتباطی معنادار پیدا کردند. پس از آن نیز راست‌ها دولت را تحت فشار گذاشتند تا تحقیق هایش را درباره تروریست‌های راست‌گرا متوقف کنند.

اعمال خشونت ازسوی راست‌ها پدیده‌ای مختص به آمریکا نیست، به‌عنوان‌مثال در پایان ژانویه امسال مردی در کبک (کانادا) به مسجدی حمله کرد و باعث مرگ شش نفر و زخمی‌شدن ۱۹ نفر شد. بریتانیا نیز در میان‌مدت سهم خودش را از خشونت‌های سیاسی مرتبط با برگزیت به چشم دیده است. سال گذشته، یکی از نژادپرست‌های سفیدپوست، درحالی‌که فریاد می‌کشید «تقدّم با بریتانیاست»، یکی از مخالف‌های برگزیت را به قتل رساند. بعدها ادعا شد قاتل یک فعال سیاسی بوده است. او در دادگاه ادعا کرد حرف دیگری زده است: «مرگ برای خان‌ها، آزادی برای بریتانیا».

این خشونت‌ها، درست شبیه به ایالات متحده، با گفتار رسمی راست ارتباطی نتگاتنگ دارند. گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل متحد می‌گوید کارزار انتخاطی‌های مربوط به برگزیت با «تفرقه‌افکنی، اظهارنظرهای ضد مهاجرت و گفتارهای دیگری رسانه‌ا» همراه بوده است. بر پایه این گزارش، سیاست‌مدارها و چهره‌های مرجع سیاسی در بریتانیا نته‌ها این اظهارنظر‌ها را محکوم نکرده‌اند، بلکه «خلاق این تعصب‌ها و تثبیت‌کننده آنها بوده‌اند. در نتیجه افرادی نیز به ایجاد رعب و نفرت‌پرانی علیه اقلیت‌های قومی- مذهبی یا گروه‌های اجتماعی متفاوت [از اکثریت] دست زده‌اند». باین‌حال هنوز هم در بر همان پاشنه می‌چرخد. چندی پیش راست‌گرای علافکی مثل کنی هاپکینز- مقاله‌نویس بریتانیایی - مهاجرها را «سوسک‌های مستراح» خطاب کرد و خواست تا برای متوقف‌کردن پناهنده‌ها به آنها تیراندازی کنند و بعد از حمله‌های منچستر، خواستار اجرای «راه‌حل نهایی» شد.

درحالی‌که راست‌ها سؤوند را سرزمینی رؤیایی برای مهاجرهای تروریست می‌دانند و [به‌دروغ] آن را جایی برای کینه‌توزی علیه سفیدپوست‌ها معرفی می‌کنند، گفتار سیاسی ایشان موجب افزایش خشونت‌های سیاسی از جانب دست‌راستی‌های افراطی این کشور شده است. در سال ۲۰۱۵ یکی از مراکز پناهجویی در سوئد به آتش کشیده شد. حمله به مراکز پناهجوها ادامه دارد. فوریه امسال بزرگ‌ترین مرکز پناهجویی سوئد به آتش کشیده شد. سال گذشته ۱۱۲ مرکز پذیرش و نگهداری پناهجوها در سوئد را آتش زدند. سال ۲۰۱۴، تنها در حداقل یک هفته، سه مسجد را آتش زدند. کمتر از یک ماه قبل نیز بزرگ‌ترین مسجد شیعه‌ها در این کشور به‌طور کامل در آتش سوخت. در تمام این مدت، اعضای گروه‌های دست‌راستی‌سوئد به مراسم‌ها روز جهانی زن حمله کرده‌اند و به طور مشخص افرادی را هدف قرار داده‌اند که پناه‌جو به نظر می‌آمده‌اند؛ به‌عنوان‌مثال مردی که در اکتبر ۲۰۱۵ با ضربه‌های شمشیر، یک معلم و شاگرد وی را در مدرسه به قتل رساند از جمله دیگری‌هرا‌س‌های ضدمهاجر بود. همچنین مردی که چندی پیش به اتهام توطئه برای منفجرکردن یکی از مراکزهای پناه‌جویی دستگیر شد، قصد انفجار یک کتاب‌فروشی چپ‌گرا را نیز داشت. بنابر گزارش‌های سازمان ملل متحد، نژادپرستی علیه آفریقایی‌ها در حال افزایش است. بر پایه این گزارش، در حداقل سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، جنایت‌های مبتنی بر نفرت، ۴۱ درصد افزایش داشته‌اند.

آلمان نیز در سال‌های گذشته شاهد افزایش خشونت‌های سیاسی از جانب دست‌راستی‌های این کشور بوده است؛ خشونت‌هایی که به طور مشخص پناهنده‌ها و پناه‌جوها را هدف قرار داده‌اند - تنها در سال ۲۰۱۶، سه‌هزارو ۵۰۰ مورد از این حمله‌ها ثبت شده‌اند- بر طبق اظهارات سرویس‌های امنیتی آلمان، تقریباً نیمی از گروه‌های راست افراطی در این کشور تمایل به اعمال خشونت دارند. درعین‌حال نئونازی‌های آلمان توانسته‌اند به ارتش این کشور نفوذ کنند. چندی پیش سه نفر از نئونازی‌های ارتشی آلمان به اتهام توطئه برای قتل اعضای عالی‌رتبه حکومت دستگیر شدند. لازم به ذکر است که اخیراً نژادپرستی‌های دال بر نفوذ نژادپرست‌های سفیدپوست در پلیس ایالات متحده نیز دیده شده است و مورد آخر؛ وخیم‌ترین حمله تروریستی در اسکندربنایو ازسوی تروریست راست‌گرای نروژی به نام آندرس برونبک رخ داد. با وجود تمامی این شواهد اما محافظه‌کارها - و در‌حال‌حاضر نیز کلان‌رسانه‌ها- عاشق این هستند تا به طور مداوم از «عدم مدارای چپ‌ها» ناله کنند. ولی حقیقت چیز دیگری است: در دو دهه گذشته اعمال خشونت در میدان سیاست راه‌ورسم راست‌ها بوده است.

منبع:زاگون

هدف از آزادی سیفاالاسلام قذافی

آزادشدن «سیفاالاسلام قذافی» فرزند سرهنگ «معمر قذافی» دیکتاتور سابق لیبی، حلقه جدیدی را در سلسله‌تحوّلات لیبی به وجود آورد که گروهی آن را شاهکار ضدانقلاب توصیف کردند و گروهی دیگر با طرح سؤالاتی می‌گویند این اتفاق موجب عمیق‌ترشدن اختلافات در داخل شهر الزنتان خواهد شد.

«خلیفه الدغاری»، رئیس فراکسیون حاکمیت ملی در مجلس نمایندگان لیبی، می‌گوید زمان آزادی سیفاالاسلام زمان مناسبی نبود؛ به‌خصوص اینکه او زمانی آزاد شد که پارلمان کمیته‌ای را برای گفت‌وگو با شورای‌عالی دولت درباره تعدیل توافق سیاسی صخیرات تشکیل داده بود. الدغاری به الجزیره می‌گوید: تصمیم برای آزادی او از راه قوه قضائیه که قوانین اجرای احکام لیبی را برعهده دارد، حاصل نشد زیرا تنها این قوه می‌تواند زندانیان را آزاد کند یا به دادستان بگوید حکمی دراین‌باره صادر کند. برای همین کل این روند نیازمند بررسی حقوقی و قانونی است.
در حالی است که العتیری از طریق دفتر رسانه‌ای خود و مطلبی که در شبکه‌های اجتماعی گذاشته بود، مسئولیت کامل این موضوع را برعهده گرفته است. «ولید ارتیبه»، تحلیلگر سیاسی لیبی، می‌گوید آزادسازی سیفاالاسلام، اوج تلاش‌های ضدانقلاب به رهبری مصر و امارات متحده عربی در لیبی است. او دلیل می‌آورد که کردان ابوبکر الصدیق در الزنتان معروف است که نسبت به عملیات الکرامه به رهبری ژنرال حفتر سپماتی دارد و حتی خود او نیز از سوی قاهره و ابوظبی پشتیبانی می‌شود.

ارتیبه در سخنانی به الجزیره می‌گوید: خروج سیفاالاسلام از زندان موجب ارتقای محبوبیت خلیف حفرتر خواهد شد، زیرا بسیاری از طرفداران نظام سابق هنوز ترجیح می‌دهند با فرزند قذافی همکاری کنند. بگذریم که بعضی از این افراد نیز احساس می‌کنند ژنرال حفتر به مرحوم سرهنگ قذافی خیانت کرده است. این تحلیلگر سیاسی در ادامه می‌افزاید: هدف کل این برنامه ضربه‌زدن به ثباتی است که در لیبی بوده، آن‌هم در شرایطی که شورای دولت وفاق ملی سعی می‌کند در مناطق غرب کشور امنیت و ثبات را برقرار آورد. می‌دانیم که این شورا «اسامه جوبلی» از الزنتان را به فرماندهی منطقه غربی منصوب کرد و او یکی از مخالفان عملیات الکرامه و فرمانده نظامی‌اش ژنرال حفتر است. از طرف دیگر، «اشرف الشح»، یکی از اعضای پیشین گروه گفت‌وگوهای سیاسی، آزادی سیفاالاسلام قذافی را بی‌اهمیت می‌داند و می‌گوید این اقدام حتی می‌تواند اختلافات در داخل شهر الزنتان را چندبرابر کند. اختلافاتی که این اسامه جوبلی از یک سو و العجمی از طرف دیگر است. الشح در اظهاراتی به الجزیره می‌گوید، آزادکردن سیفاالاسلام، شکاف بین اردوگاه الکرامه در الزنتان را بیشتر خواهد کرد، زیرا «درس مادی»، فرمانده منطقه غربی، غرب، از سوی حفتر تعیین شده است. این او بود که تا چند روز پیش اصرار داشت سیفاالاسلام به مقامات شرق لیبی تحویل داده شود، اما «ابوبکر الصدیق العجمی»، فرمانده این کردان، ناگهان آزادی سیفاالاسلام را اعلام کرد. این عضو پیشین گروه گفت‌وگوهای سیاسی می‌گوید: سیفاالاسلام نیاز به پول و زمان دارد تا بتواند روند سیاسی را در کشور مدیریت کند. در شرایط کنونی هیچ‌کدام از این دوامکات وجود ندارند. از آن گذشته هرگونه فعالیت او تحت نظر خواهد بود زیرا سیفاالاسلام قذافی از سوی دادگاه جنایت بین‌المللی لاهه تحت تعقیب است.

منبع: الجزیره

جنگ آمریکا و چین بر سر تغییرات اقلیمی



هادی فیروزی

ترامپ در دفاع از فرمان خروج آمریکا از پیمان پاریس می‌گوید که این پیمان توزیع عظیم ثروت آمریکا به کشورهای دیگر است. به اعتقاد او، معاهده پاریس به سطح زندگی و کسب‌وکار مردم آمریکا ضربه سنگینی وارد می‌کند زیرا در آن‌سوی دنیا چین و هند همچنان می‌توانند تا چند سال آینده صنایع زغال‌سنگ خود را توسعه بدهند، اما آمریکا چنین اجازه‌ای ندارد. با نگاه به کشورهایی که بیشترین سهم در گرمایش زمین را دارند، درمی‌یابیم که چین قبل از آمریکا و حدود دوبرابر بیشتر در گرمایش جهانی و تغییر اقلیم سهم دارد. پس از چین، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا حضور دارند.
اشاره ترامپ به چین در حالی است که تحلیلگران درباره اینکه چین چقدر در عمل به تعهد خود در پیمان پاریس وفادار است مردد هستند. رئیس مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌ها در سازمان حفاظت محیط زیست می‌گوید که دو کشور ایالات متحده آمریکا و چین به‌تنهایی مسئول انتشار بیش از ۴۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای در جهان هستند. به گفته او، چین متعهد شده نسبت به وضع کنونی، شدت انرژی را تا سال ۲۰۲۰ به ۳۵ درصد و تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۶۰ درصد کاهش دهد.

در دسامبر ۲۰۱۵، ۱۹۵ کشور، کنوانسیون سازمان ملل درباره مقابله با تغییرات اقلیمی موسوم به پیمان پاریس را با هدف تلاش در راستای کاهش میزان آلودگی ناشی از گازهای گلخانه‌ای امضا کردند. براساس این پیمان، میزان تولید گازهای کربنی باید در حدی باشد که گرمایش زمین تا سال ۲۰۵۰ از دو درجه بیشتر نشود.

به گزارش رویترز، وزارت حفاظت از محیط زیست چین با اعزام چندین تیم بازرسی به شهرهای آلوده شمال این کشور اعلام کرده است که مقامات این شهرها تدابیر مؤثری را برای مقابله با شرکت‌ها و کارخانه‌های آلاینده هوا به اجرا نگذاشته‌اند. سطح آلودگی هوا در پکن هفت‌برابر بیشتر از میزان استاندارد اعلام‌شده از سوی سازمان‌های جهانی است. چین آلوده‌ترین کشور جهان است و نفس‌کشیدن در این شهر، معادل با کشیدن ۲۱ نخ سیگار در روز است. هم‌زمان با ورود بشر به دروازه تمدن نوین و وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ میلادی، سبک زندگی مردم دگرگون شد و نیاز انسان به منابع جدید انرژی باعث شد اتمسفر زمین به طور روزافزونی مقادیر بی‌کرانی از گازهای گلخانه‌ای را در خود جای دهد.

پیامد این وضعیت تغییر اقلیم بوده است که خود را به صورت‌های گوناگون از قبیل افزایش گرمای جهانی، بالاآمدن سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها، ذوب‌شدن یخ‌های قطبی و وقوع رگبارهای سیل‌آسا، در برخی نقاط نشان می‌دهد. کوران و سرمای شدید و کوتاه‌مدت، انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، شیوع بیماری‌های مسری و ناشناخته، قطعی و کمبود مواد غذایی، زمین‌لرزه‌های ویرانگر و سونامی از دیگر مصائبی است که می‌تواند حاصل از تغییرات آب‌وهوا باشد. از جمله اقدامات مهمی که برای تحقق این هدف باید صورت گیرد، جلوگیری از رشد مصرف سوخت‌های فسیلی از جمله در زمینه حمل‌ونقل است. به دلیل استفاده گسترده مردم آمریکا از اتومبیل، ایالات متحده از جمله مصرف‌کنندگان عمده سوخت فسیلی در جهان است و اجرای توافق پاریس به معنی جلوگیری از افزایش کاربرد خودرو در آن کشور است. جان کری، وزیر خارجه پیشین آمریکا، می‌گوید بیش از دو دهه است که درباره گرم‌شدن زمین صحبت می‌کنیم؛ با وجود این هنوز در مسیری قرار داریم که به نژادزی منتهی می‌شود. دانشمندان پیش‌بینی کرده‌اند میانگین دمای زمین در این قرن، ۴٫۸ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت. چندی پیش سازمان جهانی هواشناسی اعلام کرد که سال ۲۰۱۴ میلادی گرم‌ترین سال ثبت‌شده در تاریخ است. افزایش بیش از حد مجاز این گازهای گلخانه‌ای مهم‌ترین عامل گرمایش جهانی است و به‌تبع آن فاجاع زیست‌محیطی یکی پس از دیگری رخ خواهند داد.

بیشترین سهم انسان در تولید گازهای گلخانه‌ای گاز دی‌اکسیدکربن است که در نتیجه استفاده از سوخت‌های فسیلی است. قطع درختان و ازبین‌رفتن پوشش سبز زمین نیز در افزایش این گاز سهم بسزایی دارند. دی‌اکسیدکربن سالیان‌سال در جو زمین باقی می‌ماند و به سادگی از بین نمی‌رود، چین، آمریکا و اتحادیه اروپا، ۵۵ درصد از کل گازهای گلخانه‌ای جهان را تولید می‌کنند.

در کنار دی‌اکسیدکربن، متان و اکسید نیتروژن بیشترین سهم از این گازها را تشکیل می‌دهند. آمار نشان می‌دهد که در ۲۰۰ سال گذشته و به‌ویژه ۵۰ سال اخیر میزان گازهای گلخانه‌ای به طور تصاعدی رو به افزایش بوده، به‌طوری‌که میزان دی‌اکسیدکربن و متان به‌تقریب ۱۵۰ و ۳۰ درصد افزایش یافته است. افزایش دامام، استخراج گاز طبیعی و استفاده از کودهای شیمیایی نیز بخشی از عواملی هستند که منجر به تولید متان می‌شوند.

با وجود تلاش‌های جهانی زیادی که برای مقابله با تغییر اقلیم انجام شده است، نظیر پیمان پاریس، پیمان کیوتو و کنوانسیون تغییر آب‌وهوا، به نظر می‌رسد با ادامه شرایط فعلی، ساکنان سیاره زمین به سمت نقطه غیرقابل بازگشتی حرکت می‌کنند و همانند آنچه که آن دولتمرد آمریکایی گفت در مسیری قرار داریم که به ترازوی ختم می‌شود.

